

# فیلم «گس» و تمام محافظه کاری های این جشنواره

ندیده ها و نداشته ها

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۱

عنوان ستون ثابت نگارنده در روزنامه "اعتماد" در ایام جشنواره سی و یکم فجر، "ندیده ها و نداشته ها" بود.

\*

\*

در حالی که دو روزی است کاندیداهای دو بخش رقابتی موسوم به «سودای سیمرغ» و «نگاه نو» سی و یکمین جشنواره فیلم فجر اعلام شده اند و میزان قابل پیش بینی بودن کاندیداها با عنایت ویژه به فیلم ها و افراد نورچشمی، به شدت کسالت بار و دور از هر نوع غافلگیری و هیجان بوده است؛ و در حالی که مراسم پایانی جشنواره دیشب برگزار شده است، ما در ادامه این ستون هر روزه این ایام که به تبع عنوانش به «نداشته ها» و «دیده نشده ها»ی جشنواره می پردازد، فردا و پس فردا فرصت برای پرداختن به سطح و شکل داوری ها و جمع بندی بحث هایمان خواهیم داشت .

اما امروز می خواهیم به یکی دیگر از فیلم هایی پردازم که به رغم آماده نمایش بودن، از همان آغاز مسیر ارائه برای حضور در جشنواره، در نیمه راه متوقف شد و از سوی نگرش نظارتی به عنوان یکی از فیلم هایی که «صلاح نیست در جشنواره به نمایش درآید»، مسئله دار تلقی شد. فیلم «گس» اولین ساخته بلند کیارش اسدی زاده که فیلم های کوتاه تجربی اش اغلب ایده های جذابی داشتند و در این فیلم، داستان مناسبات از هم گسیخته خانواده هایی چند را در واحد های داستانی به هم پیوسته طرح می کند و با هر یک از این واحد ها، از نسل و سن و سالی به سنین پایین تر می آید و در مجموع، برش هایی از مسائل زوج های میانسال، جوان و در نهایت تین ایجرهای نسل چهارمی را به نمایش می گذارد. بازیگران اصلی و آشنای فیلم صابر ابر، پانته آ پناهی ها، شبنم مقدمی، رویا جاویدنیا، محمدرضا غفاری، احسان امانی، سیامک صفری و تعدادی دیگر هستند و شیوه روایت و ارائه اطلاعات در فیلم، به نسبت بسیاری از عادات مألوف

سینمای ما در شیرفهم کردن تماشاگر با توضیح واضحات، بسیار پیشرفته و موجز و گزیده گو به چشم می آید.

اما مهم تر از این ویژگی ها، این است که «گس» درست به سیاق اسمش که اصرار دارد بگوید اغلب مشکلات زناشویی این زمانه طعم «گس»ی دارند و لزوماً «تلخ» نیستند، به هیچ وجه فیلم بی طراوت و عبوس و بن بست واری نیست. نگاهی به نهاد خانواده دارد که به شدت در نقد و حتی زیر سوال بردن مناسبات جاری زوج های مشکل دار داستانش به نظر می رسد و در نهایت، قصد و تأکید دارد که حرمت ها را در این میان نگه دارد. فیلمی نیست که پرده دری و وقاحتی در نگرش خودش یا کلام آدم هایش جاری باشد. در نتیجه، ممانعت از حضور آن در جشنواره، به روشنی و به طور مشخص، هیچ معنایی جز محافظه کاری برگزارکنندگان آن ندارد .

این شیوه یعنی حذف کامل تمام فیلم هایی که دارند از روابط عینی و پر از ما به ازاهای اجتماعی واقعی حرف می زنند، حتی نمی تواند صورت مسئله را پاک کند. ضعف مدیریت سینمایی کشور در پاسخ گویی به انتقادات نهادهای خارج از دامنه سینما به بازتاب این گونه تصاویر در فیلم های ایرانی، به ویژه این جا رخ می نماید که مسئولان نمی توانند تفاوت میان فیلم هایی با این نگاه همراه با حرمت گذاری به مبنای خانواده را از فیلم های متمایل به پرده دری مانند «خصوصی» و «گشت ارشاد»، در مرحله اول دریابند و در مرحله بعدی، برای آن نهادها و نمایندگان شان، شرح دهند و جا بیاندازند. در نتیجه، با رخت بر بستن تصاویر این روابط از پرده سینمای ما، بار دیگر به مانند آن چه مثلاً علیرضا داوودنژاد در وصف سینمای سال های پیش از انقلاب می گوید، فیلم ایرانی از تصویر زندگی ایرانی تهی می شود.